

مکان‌نامه باستان

• علی اکبر مسگر

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایان باستان، دانشگاه تهران



- اطلس باستان‌شناسی ایران (از آغاز تا پایان دوره یکجانشینی و استقرار در روستا)
- دکتر صادق ملک شه میرزادی
- انتشارات سمت، چ اول، زمستان ۱۳۸۸، تهران، ۱۱۶ صفحه

کتاب اطلس باستان‌شناسی ایران، با یک پیش‌گفتار و دو فصل و یک پیوست در آخر کتاب تدوین شده است. فصل اول از دو بخش عمده تشکیل شده که هر یک شامل گفتارهای متعددی هستند.

بخش اول آن موقعیت جغرافیایی و طبیعی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش دوم به جغرافیای ایران از دیدگاه باستان‌شناسی و مطالعات باستان‌شناسی می‌پردازد و بخش سوم نیز به تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخ ایران اختصاص یافته است.

فصل دوم کتاب اطلس باستان‌شناسی ایران، به ادوار فرهنگی پیش از تاریخ در ایران یعنی دوران:

۱- جمع‌آوری غذا: دوران پارینه‌سنگی (UPPER PALAEOLITHIC) و دوره‌های کوتاه‌تر آن. دوره پارینه سنگی جدید در دوره زیرین (Lower upper palaeolithic) میانی (Middle upper palaeolithic) و زیرین (upper tupe palaeolithic) ۲- دوران گردآوری غذا (دوران فراپارینه سنگی) و ۳- دوران تولید غذا و استقرار در روستاها می‌پردازد.

بنا به گفته نویسنده اثر، نگارش کتاب اطلس باستان‌شناسی ایران بر پایه احساس نیازی شکل گرفته است که غالباً دانش‌جویان علت در مرحله نگارش تحقیق‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها با آن روبرو هستند؛ این امر بیشتر ناشی از ناتوانی در تطبیق مکان‌های دوران‌های مختلف فرهنگی پیش از تاریخ در ایران با مرزهای سیاسی کنونی آن است.^۱

مؤلف در آغاز ویژگی‌های کلی کتاب را ترسیم کرده است: در این اطلس سعی شده که محل‌های استقرار و زیست بشری از حدود دویست هزار تا هشت هزار سال پیش نشان داده شود. بنابراین آخرین دوران فرهنگی که در این اطلس در نظر گرفته شده، پایان دوران یکجانشینی و استقرار در روستاهاست.

مؤلف محترم در بخش یکم فصل اول کتاب خود به توصیف تمامی کوه‌ها و رودهای ایران، خاک‌ها و کویرها و همین‌طور پوشش گیاهی و حیوانی آن می‌پردازد. به نظر می‌رسد اثر وی که شامل توصیفات همراه با نام‌ها، مکان‌ها، مؤلفه‌های کلی و موقعیت‌های ریاضی و نسبی و ویژگی‌های خاص هر مورد است، جامع باشد؛ چرا که مؤلف اکثر منابع و مآخذ جغرافیایی و باستان‌شناسی مربوطه را مطالعه کرده است. این فصل با بررسی نظرات

هدف از کشورشناسی عبارت از شناخت سرزمین‌ها، اقوام، فرهنگ‌ها و جوامع بشری در شکل واقعی زندگی خود آنهاست و باید آنها را با توجه به شرایط توسعه محیطی خاص خود درک نموده و مورد بررسی قرار داد

درک نموده و مورد بررسی قرار داد»^۲. او سپس نظریات ارائه شده درباره ریخت‌شناسی طبیعی کشور ایران، وضع زمین‌شناسی و موقعیت کلی فلات آن را از منظر صاحب‌نظران مختلف بررسی می‌کند و در این رابطه نظریه اهلرز، نظریه مک کان، لویی واندنبرگ و اسمیت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نگارنده کتاب با ترکیب نظریه اهلرز که بر اساس کشورشناسی علمی است و نظریه اسمیت که بر اساس داده‌های باستان‌شناسی دوره سنگ ارائه شده، بر اساس داده‌های باستان‌شناسی منطقه دیگری را که شامل نه منطقه طبیعی و فرهنگی است، مطالعه می‌کند. در این منطقه علاوه بر عوارض طبیعی حوزه‌های فرهنگی نیز لحاظ شده است. لازم به توضیح است که هر یک از این مناطق وسیع طبیعی، خود می‌تواند به حوزه‌های کوچکتر و محدودتر فرهنگی تقسیم شوند که توضیح مفصل آن در کتاب به صورت کامل آمده و برای پرهیز از اطاله کلام از شرح جزء به جزء آن خودداری می‌نماییم: ۱- منطقه جنوب غرب و شمال جنوب غرب که شامل خوزستان

جغرافی‌نویسان در مورد ایران که از منظر جغرافیای تاریخی مورد ارزیابی قرار گرفته، پایان می‌یابد. مؤلف برای نمونه با استفاده از دو منبع تاریخی صوره الارض ابن حوقل و کتاب مجهول المؤلف حدودالعالم به توصیف مناطق مختلف ایران می‌پردازد. به عقیده مؤلف، جغرافی‌نویسان در تقسیم‌بندی مناطق، اساس کار خود را گاه نوع حکومت و زمانی عوامل طبیعی مانند ارتفاعات قرار می‌داده‌اند.^۲ لازم به ذکر است خصوصیت عمده کتاب، در تمامی بخش‌ها، ویژگی توصیفی آن است که خصوصاً در فصل اول به لحاظ معرفی جغرافیایی ایران شکل بارزتری می‌یابد. در فصل دوم مؤلف به توصیف این اعتقاد خود می‌پردازد که شایسته است ایران را از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی و با تکیه بر علم کشورشناسی مطالعه کرد. او علم کشورشناسی را از قول شولر (scholler) که در پیشگفتار کتاب اهلرز آمده، چنین تعریف می‌کند: «هدف از کشورشناسی عبارت از شناخت سرزمین‌ها، اقوام، فرهنگ‌ها و جوامع بشری در شکل واقعی زندگی خود آنهاست و باید آنها را با توجه به شرایط توسعه محیطی خاص خود



برخی اشیاء برنزی لرستان در موزه ملی ایران

مؤلف، ادوار مختلف پیش از تاریخ و استقرار در روستاهای ایران را بر اساس نوع اقتصاد معیشتی و نیز فناوری مناسب با آن تقسیم‌بندی می‌کند

مکان‌نمای باستان

به نسل دیگر آسان‌تر شد. این تحولات فناوری و فرهنگی - اقتصادی سبب شد تا انسان گام‌های سریع‌تری را به سوی تولید غذا و یک‌جانشینی بردارد و وارد دوره‌ای شود که اصطلاحاً آن را (دوران نوسنگی) می‌نامند. از آغاز همین دوره بود که انسان با ترک تدریجی کوچ‌روی و تردد دائم برای تأمین غذا و استقرار در یک محل، روستاهای نخستین را تأسیس کرد و به تدریج نظام‌های اجتماعی سازمان‌یافته‌تر شدند و حرکت به سوی تمدن آغاز شد. بنابراین انسان با فرهنگ به زودی به صورت انسان متمدن نخستین صفحات تاریخ بشر را به نگارش درآورد.^۶

مرحله بعدی دوران تولید غذا و استقرار در روستاها است که از اواسط این دوران بود که انسان خلاقیت خود را بروز داد و موفق به تولید وسیله‌ای شد که تا قبل از آن به صورت طبیعی در اطراف وی وجود نداشت و آن ابزار سفالی بود. به اعتبار این پیشرفت و نوآوری می‌توان دوره نوسنگی را به دو دوران نوسنگی قبل از سفال و نوسنگی باسفال تقسیم کرد. دوران تولید غذا در ایران از حدود ده هزار سال پیش آغاز می‌شود و از حدود ۶ هزار سال پیش و در سپیده دم شهرنشینی دوران استقرار دائم در روستاها خاتمه می‌یابد و دوران آغاز شهرنشینی آغاز می‌شود.^۷ همان‌گونه که گفته شد مؤلف محوطه‌های تاریخی متناسب با هر دوره را با ذکر نام و ویژگی‌های خاص آن توصیف می‌نماید. به نظر می‌رسد مؤلف بهتر بود بین دو واژه دوران (Époque) و دوره (Period) تفکیک قائل می‌شد. مثلاً دوران کلی جمع آوری غذا به دوره‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند، نه دوران‌های مختلف. زیرا دوران مجموع خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگ و تمدنی است که با دوران ماقبل و مابعد خودش متفاوت باشد و خود به دوره‌های کوچکتر تقسیم می‌شود.

پی‌نوشت:

- ۱ - اطلس باستان‌شناسی ایران (از آغاز تا پایان دوره یکجانشینی و استقرار در روستاها)
- ۲ - همان، ص ۵.
- ۳ - همان، ص ۲۶.
- ۴ - همان، صص ۳۳-۶۴.
- ۵ - همان، ص ۶۹.
- ۶ - همان، صص ۷۶-۷۷.
- ۷ - همان، ص ۷۹.

و دهلران است. ۲- منطقه کرمانشاه و غرب که شامل ارتفاعات مرکزی زاگرس و کوهپایه ای آن می‌شود. ۳- منطقه آذربایجان و شمال غرب ۴- منطقه شمال ایران که شامل سواحل جنوبی دریای خزر است ۵- منطقه فلات مرکزی که در جنوب رشته کوه البرز است ۶- منطقه شمال شرق ۷- منطقه شرقی که شامل سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان است ۸- منطقه وسیع کرمان و بخش‌هایی از سیستان و بلوچستان است و ۹- منطقه جنوب، شامل جلگه فارس که تا بخش‌هایی از جنوب و جنوب غرب ارتفاعات زاگرس کشیده شده است.^۴

مؤلف در فصل دوم کتاب، ادوار مختلف پیش از تاریخ و استقرار در روستاها در ایران را بر اساس نوع اقتصاد معیشتی و نیز فناوری مناسب با آن به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌کند: ۱- دوران پارینه سنگی که آغاز آن همزمان با ظهور انسان در پهنه گیتی است. انسان برای تأمین نیازهای غذایی خود دائم به جمع آوری میوه‌ها و دانه‌های خشکبار و شکار و صید در قلمرو زیستی خود می‌پرداخته و هر چه را که به دست می‌آورده، به مصرف می‌رسانده است. فرمول اقتصادی این دوران را می‌توان به صورت جمع‌آوری و مصرف خلاصه کرد. از نظر فناوری این دوره به سه دوره کوتاه‌تر پارینه سنگی قدیم، میانه و جدید تقسیم می‌شود. هر یک از آن‌ها نیز به سه دوره کوتاه‌تر زیرین، میانی و زبرین تقسیم شده است. در ایران، کهن‌ترین آثار مورد وثوقی که در دست است، متعلق به دوره زبرین پارینه سنگی جدید است.^۵ باید اشاره کرد که مؤلف ضمن تعریف هر یک از دوره‌های مذکور، پراکندگی محوطه‌های تاریخی را در آن دوران‌ها و دوره‌ها نشان می‌دهد. دوران گردآوری غذا (فراپارینه سنگی) که از حدود ۱۲ هزار سال پیش آغاز می‌شود، در این مرحله انسان علاوه بر انتخابی عمل کردن در جمع آوری غذا، مقداری را برای تأمین نیاز فوری مصرف کرده و قسمتی را نیز برای آتیه ای نزدیک ذخیره می‌نموده است. او بدین منظور از مواد خوراکی قابل ذخیره که دیر فاسد می‌شدند، مانند دانه‌های غلات و حبوبات استفاده می‌کرده است. در این مرحله انسان برای سهولت گرد آوری مواد خوراکی ابزارهای بسیار ساده‌ای ابداع کرد که به او در دروی غلات و حبوبات خودرو کمک می‌کردند که ساده‌ترین آن‌ها داس‌های ترکیبی بوده‌اند. اختراع این داس‌های ساده را باید یک تحول شگرف در فناوری محسوب کرد؛ از طرفی به دلیل تحولاتی که در زبان به وجود آمد که آن هم باید نتیجه تحولات اقتصاد معیشتی بوده باشد، انتقال تجربه از نسلی